

قرائت و مصداق آیه «سلام علی ال یاسین»*

مجید چهری** و عبدالحسین شورچه***

چکیده

واژه «ال یاسین» در آیه «سلام علی ال یاسین» بخشی از یک آیه قرآنی است که فقط یکبار در قرآن کریم به کار رفته است. مجال تفسیر این آیه با توجه به قرائت خاص آن، معرکه تقابل آرای متفاوت تفسیری است. دورنمایی از شیوه‌های تلاش علمی مفسران و قرآن پژوهان گویای نقش مهم و تاثیرگذار قرائت و روایات در مصداقیابی این واژه قرآنی است. بنابر گزارش‌های موجود، نام الیاس نبی (علیه السلام) خاندان و پیروان وی، اهل بیت و پیروان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مهم‌ترین مصادیقی است که در نتیجه تحلیل معناشناسانه این واژه ارائه شده است. بررسی تحلیل‌ها و شیوه‌های دستیابی به آنها نشانگر برجستگی دو مصداق اصلی یعنی الیاس نبی (علیه السلام) با سنجه قرائت آیات و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از معبر روایات تفسیری و نام «یس» به عنوان یکی از اسامی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. عمده مفسران عامه با معیار سیاق و قرائت، الیاس نبی (علیه السلام) را مقصود آیه دانسته‌اند، اما مفسران شیعه عمدتاً به دو گروه در ارائه دو مصداق فوق و بررسی ادله آن تقسیم شده‌اند. هر چند تنها تلاش در بازشناسی مفهوم صحیح آیه، ارائه‌دهنده مفاهیم متعدد از این تعبیر قرآنی است، تلاش علمی این پژوهش ترسیم مسیر شیوه‌های دستیابی به مصداق صحیح این تعبیر قرآنی از خلال بررسی جایگاه قرائت و روایات مرتبط در دیدگاه مفسران و قرآن شناسان است.

واژگان کلیدی: قرآن، الیاس، ال یاسین، الیاسین، یس، آل یاسین، اختلاف قرائت

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۱۳.

** دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم (نویسنده مسئول): pm.1364@yahoo.com

*** دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی دانشکده تفسیر و معارف قرآن قم: hosain_shorche@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم دارای نصّ مکتوب و قرائت‌های مشهور است که مورد اتفاق عامّه مسلمانان از صدر اسلام تا کنون بوده و هست. بررسی تاریخ قرائت، جمع و کتابت و سپس مراجعه به قرآن کریم، بیانگر وجود اختلاف قرائت در برخی واژگان این متن وحیانی است. اختلاف قرائت مسئله‌ای است که به دلایلی از جمله ضعیف بودن خط و ابزار کتابت، تفاوت لهجه‌های عرب و اختلاف قراء به وجود آمده است. گرچه اختلاف قرائت موجود در برخی از واژگان قرآن کریم به حدی نیست که در وحیانیّت و اعجاز آن خللی وارد آورد، در برخی موارد می‌تواند در اثر عدم توجه کافی مفسران باعث ارائه تفاسیر کاملاً متفاوت و متناقض گردد. قرائت مشهور، توجه به سیاق، واژه‌شناسی و بهره‌گیری از روایات تفسیری از مهم‌ترین لوازم تفسیر به شمار می‌رود. مفسر عمدتاً در تبیین و تفسیر واژگان دارای اختلاف قرائت، ابتدا با مبنا قرار دادن این لوازم به عملیات تفسیر می‌پردازد. تلاش روشمند جهت دستیابی و اعتبارسنجی شیوه‌های مصداق‌شناسی کلمه «ال یاسین» در آیه شریفه «سَلَامٌ عَلٰی اِلْیَاسِیْنَ» (صافات / ۱۳۰) با بهره‌گیری از سنجه‌های قرائت مشهور و روایات تفسیری از اهمّیتی ویژه برخوردار است. با توجه به وجود تعدادی روایت تفسیری ذیل این آیه که غالباً در منابع شیعی نقل شده‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷۱۴/۸؛ طیب، اطیب البیان، ۱۳۶۶: ۱۱/ ۱۸۹؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۴/ ۶۲۴؛ حسینی، انوار درخشان، ۶۴/۱۴) این سؤال مطرح است که روایات مذکور در چه حدّی از اعتبار صدوری، سندی و محتوایی است؟ آیا روایات مذکور می‌تواند دلیلی مستند بر صحت قرائت و مفهوم آیه به صورت «سلام علی آل یاسین» (که مراد از آن اهل بیت پیامبر ﷺ است) باشد؟

پژوهش حاضر هر چند در مقام حل اختلاف قرائت موجود در آیه نیست، در صدد است با استناد به مبانی علمی و قواعد صحیح تفسیری، ضمن تلاش برای تبیین مراد جدی آیه، به بررسی ارزش‌گذاری و اعتبار روایات تفسیری و نقش قرائت مشهور در تفسیر و تعیین مصداق آیه مذکور بپردازد.

نگاهی به پیشینه

درباره این موضوع دو نوع پیشینه متصور است. پیشینه‌های عام که کتب تفسیری و کتب قرائت هستند که ذیل آیه ۱۳۰ سوره صافات بحث و بررسی کرده‌اند. در تفسیر این آیه دو دیدگاه کلی مطرح است و علاوه بر اختلافات کلامی، نمی‌توان هر کدام از این دو دیدگاه را به صورت مجزا به شیعه یا اهل سنت نسبت داد. از جمله مهم‌ترین کتب تفسیری شیعه می‌توان به تفاسیر المیزان، البرهان و نمونه و از اهل سنت به جامع البیان، مفاتیح الغیب و الجامع لأحكام القرآن اشاره کرد. لازم به ذکر است که پیشینه خاصی که به طور اختصاصی به این مطلب پرداخته باشد، یافت نشد.

مفهوم‌شناسی

۱. الیاس

«الیاس» اسمی عبرانی است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ۶/ ۲۱۶) و برخی اصل آن را ایلیا (قاسمی، محاسن التأویل، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۲۲۶) یا معربِ إلیاهو، إلیاه یا ایلیاء دانسته‌اند (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۱/ ۱۲۸). این واژه در قرآن کریم دو بار به صورت الیاس (انعام/ ۸۵؛ صافات/ ۱۲۳) و یک بار به صورت ال یاسین (صافات/ ۱۳۲) به کار رفته است. منابع قرائت قرآن تصریح دارند که ابن مسعود آن را به صورت ادريس نقل کرده است (ابن خالویه، الحجة فی القراءات السبع، ۱۴۲۱ق: ۳۰۳)، اما در بیان قرآن کریم ادريس یکی دیگر از پیامبران الهی است (مریم/ ۵۶؛ انبیاء/ ۸۵) و قطعاً نمی‌توان دو واژه الیاس و ادريس را در بیان قرآن کریم معرّف یک شخص دانست.

۲. آل

«آل» مشتق از کلمه «اول» به معنای تقدم و ترتب و به گروهی که نسب یا عنوان یا روش و اعتقادشان به شخصی بر می‌گردد، اطلاق شده و به آن کلمه اضافه می‌شود؛ مانند آل یعقوب، آل فرعون و ... (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۱/ ۱۷۷). برخی محققان نیز آن را برگرفته از واژه «اهل» می‌دانند؛ چرا که هنگام تصغیر به أهیل تبدیل می‌شود (الفارسی، الحجة للقراء السبعة، ۱۴۱۳ق: ۶/ ۶۰).

واژه آل بیست و شش بار در قرآن کریم به کار رفته که در سیزده مورد به صورت عبارت «آل فرعون» است. از این سیزده مورد در دوازده مورد مراد از آن همان معنی لغوی یعنی اهل، عیال و پیروان (در راه و روش و اعتقاد) است. البته در یک مورد به صورت «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ...» (غافر / ۲۸) آمده است که منظور فردی از قوم فرعون است که از راه و روش و اعتقادات او پیروی نمی‌کند.

۳. یس یا یاسین

«یس» یا «یاسین» نیز یک بار به شکل اول (یس/۱) و یک بار به شکل دوم به عنوان بخشی از واژه «ال یاسین» (صافات / ۱۳۰) در قرآن کریم به کار رفته است. در آیه اول سوره «یس» تقریباً اتفاق روایات و دیدگاه دانشمندان بر آن است که «یس» یکی از اسامی پیامبر ﷺ است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ۲۳ / ۱۶۸؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۷۲: ۸ / ۴۱۴). در این باره روایتی در کافی نقل شده که «یس» را یکی از اسامی پیامبر ﷺ معرفی کرده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق: ۶ / ۲۰).

۱- سنجه قرائت

وجود اختلاف قرائت آیه «سلام علی ال یاسین» امری مشهور است و معمولاً در تمام منابع مربوط به قرائت قرآن به آن اشاره شده است. یکی از دلایل اصلی دیدگاه‌ها در تعیین نوع دلالت آیه، همین اختلاف قرائت آن است. نتیجه‌گیری و تعیین مراد جدی آیه نیز تا حدودی بر مباحث اختلاف قرائت مبتنی است. «ال یاسین» جدای از مفهوم و مصداق آن، به سه صورت «ال یاسین، آل یاسین و الیاسین» روایت شده و شکل ساختاری آن در قرآن کریم «ال یاسین» است. مشهور این است که نافع و ابن عامر آن را به صورت «آل یاسین» نقل کرده‌اند (ابن خالویه، الحجة فی القرائات السبع، ۱۴۲۱ق: ۳۰۳؛ الفارسی، الحجة للقراء السبعة، ۱۴۱۳ق: ۶ / ۶۱؛ ابن الجزری، تحبیر التیسیر فی القرائات، ۱۴۲۱: ۵۲۹؛ دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الأربعة عشر، ۱۴۲۲ق: ۴۷۵). برخی این واژه را همان واژه الیاس دانسته‌اند که به جهت هماهنگی واژه با نظم آهنگ آخر آیات، یاء و نون به آخر آن اضافه شده است (ابن خالویه، الحجة فی القرائات السبع، ۱۴۲۱ق: ۳۰۳؛ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۲۹ و ۱۳۰). این گروه قرائت ابن مسعود از آن را به صورت «ادراسین» دلیل دیگری

بر صحت این مدعا گرفته‌اند (ابن خالویه، الحجة فی القرائات السبع، ۱۴۲۱ق: ۳۰۳). ابن کثیر، ابوعمر، عاصم، حفص، کسائی، حمزه و عکرمه «الیاسین» خوانده‌اند و این جمع منسوب به الیاس است که اصل آن الیاسی بوده سپس یاء نسبت به سبب سنگینی تلفظ و سنگینی جمع حذف شده است یا لغتی هست مثل الیاس مانند میکال و میکائیل. ابورجاء، ابن محیسن، عکرمه و حسن «علی الیاسین» بدین علت که جمع است، با وصل الف قرائت کرده‌اند و مراد از آن الیاس است. زمخشری هم همین را گفته است. حسن «الیاسین» را به فتح همزه خوانده و صفراوی گفته که «أل یاسین» با همزه قطع و ساکن بودن لام بعد از آن قرائت امام صادق (علیه السلام) است. زید بن علی، نافع، ابن عامر، یعقوب به روایت رويس، اعرج و شبیه «علی آل یاسین» خوانده‌اند و مراد آنها آل محمد است و گفته شده مراد فرزند یاسین و اصحابش می‌باشد (خطیب، معجم القرائات، بی تا: ۸ / ۵۳).

۲- سنجه روایت

الف) روایات شیعه

در منابع روایی شیعه دوازده روایت وجود دارد که در آنها واژه «ال یاسین» به صورت «آل یاسین» نقل شده است و این قرائت لزوماً به معنای اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) نیست؛ هر چند برخی پژوهشگران با استناد به اینکه یکی از اسامی پیامبر (علیه السلام) «یس» است، «آل یاسین» در این روایات را به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) تفسیر کرده‌اند. روایات شیعه در معنا و تفسیر آیه «سلام علی ال یاسین» را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود.

۱- روایات موجود در کتب دست دوم

الف) کتاب سلیم

در حدیث هشتاد و دوم کتاب سلیم وی از حضرت علی (علیه السلام) نقل می‌کند که یاسین اسم پیامبر و ما اهل بیت نیز همان کسانی هستیم که خداوند در مورد آنها می‌فرماید «سلام بر آل یاسین» (سلیم بن قیس الهمالی، اسرار آل محمد، ۱۴۰۵ق: ۲ / ۹۴۶).

ب) تفسیر فرات کوفی

در تفسیر فرات کوفی نیز دو روایت در تأیید آل یاسین بودن اهل بیت (علیهم السلام) با استناد به آیه «سلام علی ال یاسین» نقل شده است. در روایت نخست فرات کوفی به صورت معنعن

از ابن عباس نقل می‌کند که مراد از «آل یاسین» آل محمد ﷺ است. روایت دوم نیز همان روایت کتاب است (فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ۱۴۱۰ ق: ۳۵۶).

ج) دعائم الاسلام

در این اثر نیز حدیثی نسبتاً طولانی و جامع که به بیان ویژگی‌های آل پیامبر و مستندات قرآنی مبنی بر اینکه مراد از «آل یاسین» اهل بیت پیامبر ﷺ هستند، آمده است (ابن حیون، دعائم الاسلام، ۱۳۸۵: ۲۹/۱-۳۱).

روایت از امام جعفر صادق (ع) و در پاسخ سؤالی در مورد «آل محمد» است. حضرت در پاسخ، آل محمد را اهل بیت ایشان دانسته و در پایان می‌افزاید: خداوند در قرآن می‌فرماید «سلام علی آل یاسین»؛ یاسین محمد است و آل یاسین اهل بیت ایشان هستند.

بررسی

این روایت روایتی جامع بوده که به بیان دقیق مشخصات اهل بیت پیامبر ﷺ و مراد از آیه ۱۳۰ سوره صافات با مستندات قرآنی پرداخته است، اما مؤلف کتاب و شیوه نقل سند روایت در کتاب دعائم الاسلام قابل تامل است؛ چون روایت به صورت «رؤینا» بوده و سندی برای آن متصور نیست. ابن حیون نیز از بزرگان فرقه اسماعیلیه و کتابش از مهم‌ترین و قدیم‌ترین منابع فقهی و روایی این فرقه به شمار می‌آید.

د) الاحتجاج علی اهل اللجاج

طبرسی، مؤلف الاحتجاج، در موضوع مورد بحث روایت قابل تأملی را نقل می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) در احتجاج بر یکی از زندیقان که قرآن را دارای تناقض می‌داند، اشاره‌ای هم به آیه ۱۳۰ سوره صافات نموده‌اند. همین‌گونه است سخن خداوند متعال که فرمود «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» خداوند در قرآن کریم پیامبر ﷺ را «یس» نامیده و مستقیم نگفته است سلام بر آل محمد؛ چرا که خداوند عالم بود به اینکه دشمنان این عبارت را از قرآن حذف می‌کنند، همان گونه که موارد مشابه آن را حذف کردند: «لَعَلِّمُهُ بَانَهِمْ يُسْقِطُونَ قَوْلَ اللّٰهِ سَلَامٌ عَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا أَسْقَطُوا غَیْرَهُ» (طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ۱۴۰۳ ق: ۱/۲۵۳).

بررسی و نقد

ظاهراً عبارت «کما اسقطوا غیره» تصریح به وقوع تحریف در قرآن کریم دارد. پذیرش این نکته منجر به پذیرش تحریف قرآن و اعطای دستاویزی محکم و موجه به مخالفان

شیعه در تکمیل و تأیید قول به تحریف قرآن کریم است. هر چند ممکن است این روایت همگام با ادله قائلان به حذف نام ائمه از قرآن به کار گرفته شود. البته این نکته به معنای مخدوش دانستن تمام روایت نیست؛ چرا که بخشی از روایت یعنی عبارت «کما اسقطوا غیره» مردود است، اما توضیح قبل از آن را یعنی استناد به نام پیامبر در قرآن به عنوان «یس» و اینکه مراد از «آل یاسین» آل پیامبر هستند اگر با دلایل و مستندات دیگری غیر از آیه ۱۳۰ سوره صافات به اثبات برسد می‌توان پذیرفت.

برخی محققان معاصر روایت مذکور را ذیل عناوینی چون «روایات لا اصل لها» آورده و معتقدند مؤلف آن را بدون اینکه برای مخاطبان هیچ‌گونه سندی را ذکر کند، به بازیچه گرفته است (عسگری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۱۵۲).

۲- روایات موجود در آثار شیخ صدوق

وی از محدثان متقدم و بنام شیعه و مورد وثوق و از جمله عالمانی است که قرائت آیه ۱۳۰ صافات را به صورت «سلام علی آل یاسین» به معنای «سلام بر اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ» صحیح دانسته است. وی جمعاً شش روایت در این باره نقل می‌کند. مهم‌ترین نقطه معرکه تقابل دو قاعده سیاق و روایت، خصوصاً میان محققان شیعی، در تبیین مراد جدی از آیه «سلام علی آل یاسین»، تقابل قرائن قطعی درون قرآنی با این روایات است. به جرئت می‌توان گفت مستندترین منابع روایی که به بیان روایات تفسیری ذیل آیه ۱۳۰ سوره صافات پرداخته است، کتاب‌های معانی الاخبار، امالی و عیون اخبار الرضا (ع) از شیخ صدوق است. در ادامه به چگونگی گرایش این روایات در آثار شیخ صدوق می‌پردازیم.

الف) معانی الاخبار

شیخ صدوق در معانی الاخبار ذیل بابی با عنوان باب معنی «آل یاسین» پنج روایت را می‌آورد که تصریح می‌کند مراد از «آل یاسین»، اهل بیت پیامبر ﷺ هستند. وی در این روایات، قرائت آیه را به صورت «آل یاسین» آورده که نشانگر صحت این نوع قرائت در نزد اوست.

۱۰۳

۱- در روایت نخست کلبی از ابوصالح از ابن عباس نقل می‌کند که مراد از آیه «سلام علی آل یاسین» سلام از جانب پروردگار جهانیان بر محمد و آل او ﷺ و صحت و سلامت برای دوستان آنهاست تا روز قیامت.

- ۲- روایت دوم را شخصی به نام کادح (قادح) از امام صادق علیه السلام از پدران نشان از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که در تفسیر آیه می‌فرماید: یاسین محمد صلی الله علیه و آله و ما آل یاسین هستیم.
- ۳- در روایت سوم حکم بن ظهیر از سندی از ابومالک تفسیر آیه را چنین نقل کرده که یاسین محمد و ما آل یاسین هستیم.
- ۴- در روایت چهارم کلبی از ابی‌صالح از ابن عباس آیه «سلام علی آل یاسین» را به سلام بر آل محمد صلی الله علیه و آله تفسیر کرده است.
- ۵- پنجمین روایتی که شیخ صدوق آورده است، نقل جریانی بین ابوعبدالرحمن سلمی و عمر بن خطاب است. عمر بن خطاب در حال قرائت آیه «سلام علی آل یاسین» بوده که ابوعبدالرحمن می‌گوید آل یاسین آل محمد صلی الله علیه و آله هستند (ابن بابویه، معانی الأخبار، ۱۴۰۳ق: ۱۲۲-۱۲۳). صدوق روایت دوم، سوم و چهارم را به همان صورت در امالی نیز نقل کرده است (صدوق، امالی، بی‌تا: ۴۷۲).

بررسی

روایت اول و چهارم از ابن عباس نقل شده و به معصوم بر نمی‌گردند. ثانیاً در سلسله سند روایت نخست کلبی از ابوصالح از ابن عباس نقل می‌کند که برخی این را مخدوش و ضعیف‌ترین طریق نقل از ابن عباس معرفی کرده‌اند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱ق: ۲/ ۴۷۱). روایت دوم را نیز شخصی به نام کادح (قادح) از امام صادق علیه السلام نقل کرده که هر چند او را از اصحاب امام صادق علیه السلام معرفی نموده‌اند، اما ظاهراً شخصی ضعیف (طوسی، رجال، ۱۳۷۳: ۲۷۵؛ خویی، معجم الرجال الحديث، ۱۳۷۲: ۱۴/ ۱۰۲) و مجهول بوده و در سایر کتب رجالی شیعه خبری از او نیست. مضافاً اینکه مردد بین سه شخصیت (کادح بن رحمه زاهد، کادح بن جعفر و کادح بن نصیر) است؛ لذا به روایت وی اعتماد نکرده‌اند، اما برخی محققان برای دستیابی به تأیید شخصیت ضعیف و مجهول این راوی، دست به دامن منابع رجالی اهل سنت شده‌اند (شاهدی و کوهساری، انتظار موعود، ۱۳۹۰: ش ۳۴، ۴۲-۴۴).

روایت پنجم نیز نقل یک جریان تاریخی و در نهایت دیدگاه ابوعبدالرحمن سلمی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد شیخ صدوق تنها یک روایت را از معصوم علیه السلام نقل می‌کند که سند آن قابل خدشه جدی است. سایر روایات نیز نقل از معصوم نیست و نهایتاً در حد نقل یک دیدگاه تفسیری از صحابه بالاخص ابن عباس می‌باشد. با توجه به اینکه تفسیر ابن عباس از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار است، در خصوص این بحث دیدگاه وی در حدی نیست که بر سیاق آیات غلبه داشته باشد. در اصل می‌توان چهار روایت از این پنج روایت را دیدگاه پیروان مکتب ابن عباس دانست که بعدها اخباریان نیز بر این روایت تأکید ورزیده‌اند. این نکته نیز قابل بررسی است که روایت «یاسین محمد و ما آل محمد آل یاسین هستیم» ممکن است ذیل آیه نخست سوره یاسین نقل شده باشد؛ چرا که تناسب ویژه‌ای با آن بخش دارد.

(ب) عیون اخبار الرضا

شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار به ذکر روایتی از امام رضا علیه السلام در خصوص این آیه می‌پردازد. در این روایت ابوصلت نقل می‌کند امام رضا علیه السلام در مجلسی که مأمون تشکیل داده و تعدادی از علمای خراسان و عراق نیز در آن جمع بودند، حاضر شده و فرمودند: مرا خبر دهید که مراد از واژه «یس» در قرآن چیست؟ همه پاسخ دادند مراد از یس محمد صلی الله علیه و آله است و هیچ کسی در آن شک ندارد.

در ادامه روایت امام علیه السلام این امر را فضیلتی وصف ناشدنی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام دانسته و می‌فرمایند: خداوند در قرآن به غیر از انبیا به هیچ کس دیگری سلام نفرستاده و در میان انبیا نیز تنها به آل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام فرستاده و فرموده است: «سلام علی آل یس».

شیخ صدوق در ادامه به نقل اقوالی در معنی واژه یاسین و آل یاسین پرداخته و از جمله نقل می‌کند که مراد از یس، پیامبر صلی الله علیه و آله و آل یاسین، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۱۳۷۸: ۱/۲۳۷).

نکته مهم در این روایت نحوه کتابت «آل یس» از زبان امام علیه السلام است که به صورت «آل یس» کتابت شده است. علامه عسگری نیز در بررسی این روایت، مسرور دو تن از روایان سلسله سند این روایت را یعنی علی بن الحسین بن شاذویه و جعفر بن محمد مجهول الحال می‌داند (عسگری، روایات المدرستین، ۱۴۱۶ق: ۳/۶۳۰).

(ج) نهج الحق و کشف الصدق

علامه حلی یکی دیگر از بزرگان شیعه در کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» روایت منقول از ابن عباس یا همان دیدگاه تفسیری وی در تفسیر آیه را آورده که مراد از عبارت قرآنی «آل یاسین» آل محمد صلی الله علیه و آله است (حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ۱۹۸۲م: ۲۰۶).

بررسی

نکته قابل تأمل در نقل این روایت، اشتباه فاحشی است که توسط حاشیه نویس کتاب (فرج الله حسینی) رخ داده است؛ چرا که وی در حاشیه روایت مذکور در مقام تأیید دیدگاه ابن عباس توسط دانشمندان اهل سنت ادعا می‌کند که آنان این روایت را در کتاب‌های معتبر خود آورده‌اند و برای نمونه به کتبی مانند تفسیر کبیر، شواهد التنزیل، در المنثور، الصواعق المحرقة، روح المعانی و ... اشاره می‌کند که بررسی آنها در ادامه از نظر می‌گذرد (حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ۱۹۸۲م: ۲۰۵؛ پاورقی ششم - نرم افزار اهل البيت).

(د) تفاسیر مأثور شیعه

تفاسیری مانند صافی، البرهان و نور الثقلین تقریباً تمام روایات پیش گفته را آورده و با تأکید بر صحت دلالت روایات، مراد از «آل یاسین» را «آل یاسین» یعنی اهل بیت پیامبر ﷺ دانسته‌اند (فیض کاشانی، تفسیر الصافی: ۴، ۲۸۲؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۶ق: ۴/۶۲۴ تا ۶۲۷؛ عروسی حویزی، نورالثقلین، ۱۴۱۵ق: ۴/۵۳۲)؛ هر چند برخی اقوال دیگر مربوط به آیه را که مستند به سیاق و شواهد لغوی هستند، نیز بدون قضاوت ذکر کرده‌اند (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۰۲ق: ۴/۲۸۲).

(ب) روایات اهل سنت

حاکم حسکانی

در منابع روایی اهل سنت، تنها حاکم حسکانی به نقل جامع و مستقل روایات مربوط به این آیه و هماهنگ با منابع شیعی پرداخته است. وی در کتابش «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل» ذیل آیه ۱۳۰ سوره صافات هفت روایت می‌آورد که مراد از عبارت «آل یاسین»، «آل یاسین» یعنی اهل بیت پیامبر ﷺ است. او نیز مانند شیخ صدوق در ابتدای بحث شکل قرائت آیه به صورت «آل یاسین» را با استناد به قرائت نافع و ابن عامر آورده که این امر بیانگر تأکید او بر قرائت آیه به صورت «آل یاسین» است (حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۴۱۱ق: ۲/۱۶۷).

بررسی

ممکن است روایاتی که حاکم نقل کرده است، بیشتر دانشمندان اهل سنت نپذیرند و به آن وقتی ننهند؛ چرا که اولاً بنا بر شواهد موجود حاکم گرایش‌های شیعی داشته است تا

جایی که شیخ آقا بزرگ تهرانی کتاب وی را در زمره تألیفات شیعه به حساب آورده است (تهرانی، الذریعه، ۱۴۰۳ق: ۲۴۲/۱۴-۲۴۳). ثانیاً هفت روایتی که حسکانی نقل کرده (حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۴۱۱ق: ۱۶۵-۱۶۹) همان روایات موجود در منابع شیعی است. چهار روایت منقول از ابن عباس بوده که تقریباً همگی مضمون مشترکی داشته و اعتبار آنها در حد یک دیدگاه تفسیری از صحابه است. دو روایت دیگر یکی همان روایت مشهور از کادح از امام صادق (علیه السلام) و دیگری روایت معن فرات از ابن عباس است که اشکالات آنها از نظر گذشت. روایت آخر نیز از سدی از ابی مالک نقل شده است که آن هم در حد یک دیدگاه تفسیری است.

- نقد یک ادعا

در نقد ادعای حاشیه نویس نهج الحق علامه حلی لازم به ذکر است که استنادات شواهد التنزیل که از نظر گذشت، همان روایات شیعه است و حاکم و کتابش شواهد التنزیل به دلیل گرایش‌های شیعی، به عنوان منابع معتبر و قابل مراجعه‌ای برای اهل سنت به شمار نمی‌آیند. فخر رازی و آلوسی نیز روایت مذکور را به عنوان یک قول ضعیف نقل کرده و در نهایت با بیانی مستدل آن را مخالف با سیاق دانسته و نپذیرفته‌اند (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۲۲ق: ۳۵۵/۲۶؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵ق: ۱۲/۱۳۵). در نهایت، سیوطی نیز روایتی را از ابن عباس آورده است که در تفسیر آیه می‌گوید «ما آل محمد آل یاسین هستیم» (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴ق: ۵/۲۸۶-۲۸۷). علاوه بر اینکه روایت مذکور یک دیدگاه تفسیری است، دو نکته در بررسی آن به دست می‌آید. سیوطی آن را به عنوان آخرین نقل بعد از نقل قول‌های متعدد در مورد حضرت الیاس آورده و این عملکرد احتمالاً نشانگر ضعف روایت در نزد اوست؛ دیگر آنکه بنا بر تفسیر مقبول موافقان، آل یاسین منحصر در اهل بیت (علیهم السلام) بوده و ابن عباس با وجود عظمت شأنش؛ از این دایره بیرون است.

۱۰۷

ابن حجر هیثمی نیز این روایت را نقل نکرده و تنها به نقل از فخر رازی که به عبارت «سلام علی آل یاسین» استناد کرده و می‌گوید: اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چند مورد با ایشان برابر هستند که یکی از آن موارد سلام است (هیثمی، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، بی‌تا: ۱۷۸).

این بررسی‌ها نشان می‌دهد دانشمندان اهل سنت در مقام تأیید قرائت آیه به صورت «سلام علی آل یاسین» که مراد از آن اهل بیت پیامبر ﷺ باشد، نبوده‌اند.

در منابع روایی فریقین حدود ده تا دوازده روایت (که اکثراً از منابع شیعی است) آمده که در آنها صراحتاً اهل بیت پیامبر ﷺ به «آل یاسین» معرفی شده است و این معرفی به آیه ۱۳۰ سوره صافات مستند شده است. روایات تفسیری ذیل آیه علاوه بر نقدهای سندی و برخی اشکالات محتوایی، در تقابل آشکار با قرائن قطعی‌ای مانند سیاق، سیاق و قرائت مشهور بوده و قابل استناد نیستند. علاوه بر این، در تقابل ادله و شواهد قطعی درون قرآنی با شواهد برون قرآنی، جهت دستیابی به مراد جدی خداوند، ترجیح دادن شواهد درون قرآنی می‌تواند در اولویت استناد قرار گیرد. هر چند برخی از محققان معاصر سعی در توجیه صحت استناد به این روایات در قرائت آیه به صورت «آل یاسین» و اینکه مراد از آن، اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ است، داشته‌اند (شاهدی و کوهساری، انتظار موعود، ۱۳۹۰: ش ۳۴، ۳۳-۵۴).

دیدگاه مفسران:

۱. دیدگاه مفسران شیعه

الف) شیخ طوسی

شیخ طوسی نقل قول‌های متفاوت لغوی، تفسیری و روایی مربوط به شکل ساختاری کلمه را آورده است، اما ظاهراً بر صحت قرائت به صورت «آل یاسین» به معنای آل محمد ﷺ تأکید داشته و هیچ اشاره‌ای به عدم هماهنگی این دیدگاه با سیاق و شکل ساختاری کلمه نکرده است. وی معتقد است هر کس آیه را به صورت آل یاسین قرائت کرده با توجه به اینکه یس یکی از اسامی محمد ﷺ است، مراد از آن را آل پیامبر ﷺ دانسته است. نحوه چینش نقل قول‌ها در تفسیر التبیان به همین نکته اشاره دارد. وی سپس با استناد به آیه ﴿إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ﴾ (صافات/ ۱۲۸) آل محمد ﷺ را مهم‌ترین مصداق بندگان مخلص خدا می‌داند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۸/ ۵۲۳ تا ۵۲۵).

شیخ طوسی با اینکه احاطه ویژه‌ای بر روایات شیعه داشته و با وجود اینکه حداقل به ده تا دوازده روایت مربوط به این آیه دسترسی داشته است، هیچ اشاره‌ای به این روایات نکرده و در تفسیر آیه نیز هیچ بهره‌ای از آنها نبرده است. شاید بتوان این نوع برخورد شیخ طوسی با روایات ذیل آیه را ضعیف و غیر قابل استناد بودن آنها در نزد وی دانست. واضح است که

دیدگاه شیخ طوسی را در تعیین مراد از «ال یاسین» را که برخلاف سیاق و قرائت مشهور بوده و حتی پشتوانه روایی هم ندارد، نمی‌توان پذیرفت.

ب) طبرسی

طبرسی بر صحت قرائت آیه به صورت آل یاسین تأکید می‌کند و با اشاره به روایت ابن عباس مصداق آن را اهل بیت پیامبر ﷺ می‌داند. وی به اختلاف قرائت آیه اشاره می‌کند که ابن عامر، نافع و رويس آن را به صورت «آل یاسین» و باقی قرأء به صورت «ال یاسین» قرائت کرده و قرائتی شاذ هم توسط ابن مسعود و یحیی و اعمش و حکم بن عیینه نقل شده که آیه به صورت «سلام علی ادرا سین» آمده است. ابی محیصن و ابی رجا نیز «الیاس» و «الیاسین» را بدون همزه قرائت کرده‌اند.

طبرسی در توجیه قرائت فوق سخن ابوعلی را آورده که می‌گوید: هر کس به صورت «آل یاسین» قرائت کرده، دلیلش این است که در مصحف «یاسین» جدای از «آل» نوشته شده است. این نوع کتابت بیانگر این نکته است که «آل» همان است که تصغیرش «اهیل» است. وی در ادامه، روایت مشهور ابن عباس در تفسیر این آیه را آورده و «یاسین» را نیز یکی از اسامی پیامبر ﷺ معرفی کرده است. طبرسی در نهایت می‌افزاید: هر کس آیه را به صورت «ال یاسین» قرائت کرده، مراد آیه را حضرت الیاس و پیروان او می‌داند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۸/ ۷۱۲ و ۷۱۳).

طبرسی هر چند به شکلی نسبتاً جامع به بررسی اختلاف قرائت آیه پرداخته است، اما دیدگاه وی خالی از جانبداری و بهره نگرستن از اصول و قواعد تفسیری نیست؛ چرا که وی با ذکر یک نقل قول تفسیری از ابن عباس، سیاق و قرائت مشهور آیه را به کلی نادیده می‌گیرد.

ج) علامه طباطبایی

ایشان عمده بحث این مجموعه آیات را به طرح مسائل مربوط به حضرت الیاس و ویژگی‌های قوم او و مشقات دعوت ایشان به خداپرستی اختصاص داده‌اند. وی در پایان با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام که می‌فرماید: «یس رسول خداست و آل یس ما هستیم» و نیز با اشاره به اینکه در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز روایتی نظیر این روایت نقل شده است، دو روایت مذکور را به شرطی صحیح می‌داند که آیه به صورت «آل یاسین» همان گونه که نافع، ابن عامر، یعقوب و زید قرائت کرده‌اند، قرائت شود (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱۷/ ۱۵۸-۱۵۹).

همان طور که در ملاحظه می‌شود علامه طباطبایی عمده بحث این مجموعه آیات را بر طرح مسائل مربوط به حضرت الیاس اختصاص داده و به صورت اشاره‌ای کوتاه و مشروط به مبانی‌ای صعب الوصول، روایاتی را که مراد از «ال یاسین»، «آل یاسین» باشد، صحیح می‌داند.

د) علامه عسگری

علامه عسگری از محققان پرکار معاصر تعداد هیجده نقل مربوط به این آیه (اعم از روایت یا نقل قول تفسیری) را آورده و با بررسی سندی و دلالی، میزان اعتبار آنها را تبیین نموده و در نهایت هیچ‌کدام را نمی‌پذیرد. وی معتقد است ما حصل نقل‌های مربوط به آیه این است که «ال یاسین» و «یاسین» اسم پیامبر ﷺ بوده و مراد از «آل یاسین»، «آل محمد ﷺ» هستند. وی سپس با نقدهایی مانند در حد قول تفسیری بودن یا اشکالات قابل توجه سندی از جمله مجهول بودن افراد واقع در سند یا اشکالات محتوایی برخی دیگر از روایات، در مقام تأیید به نقل دیدگاه تفسیری تعدادی از مفسران پرداخته که مراد از «ال یاسین» را خود حضرت الیاس دانسته‌اند (عسگری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۶۲۶ تا ۶۳۲).

ه) علامه مصطفوی

ایشان بر آن است که «إِلْ یَاسِینَ» مانند واژه «إِسْرَائِینَ» یک کلمه است و آن یکی از وجوه واژه الیاس است در اینجا یاء و نون به سبب حفظ نظم آهنگ پایان آیات و به دلیل تجلیل و تعظیم به آن اضافه شده است. بر کسی پوشیده نیست که در تلفظ حرف «س»، یاء و نون اضافه شده و به صورت «سین» قرائت می‌شود مانند کلمه «یس» که به صورت «یاسین» تلفظ می‌گردد.

وی همچنین اقوالی که قرائت «ال یاسین» را به صورت «آل یاسین» که مراد از آن این باشد که یاسین اسم پدر حضرت الیاس است یا قولی که یاسین را رسول الله ﷺ دانسته‌اند، به کلی ضعیف و سست می‌داند (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۱/ ۱۳۰-۱۳۹). برخی دیگر از مفسران معاصر نیز در تعیین مصداق آیه با علامه مصطفوی هم نظر بوده و با استناد به قرینه سیاق و ذکر نام پیامبرانی مانند نوح، ابراهیم، موسی و هارون در آیات پیشین، در این آیه نیز مقصود از «ال یاسین» را خود حضرت الیاس دانسته‌اند (مغنیه، تفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ق: ۶/ ۳۵۴).

طریحی نیز معنی عبارت «ال یاسین» را الیاس و اهلش دانسته و با استناد به دیدگاه برخی بزرگان، احتمال هم معنا بودن دو واژه الیاس و ال یاسین را مانند دو واژه میکال و میکائیل ذکر کرده است. وی همچنین به قرائت آیه به صورت «سلام علی آل یاسین» نیز اشاره کرده و آن را به معنای سلام بر حضرت محمد و اهل بیت علیهم السلام ایشان معنا کرده است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۴/ ۱۲۵-۱۲۶).

(و) مکارم شیرازی

در تفسیر نمونه تأکیدی بر اینکه مراد از «ال یاسین»، آل یاسین باشد، دیده نمی‌شود و تمام مستنداتی که مراد از آیه را اهل بیت پیامبر علیهم السلام می‌داند، به گونه‌ای نمی‌پذیرد. در این تفسیر تقریباً به همه روایات و اقوال پیش گفته ذیل آیه اشاره شده است. مؤلف در تفسیر این آیه، تأکید ویژه‌ای بر سیاق آیات برای دستیابی به مراد جدی آنها داشته و روایات تفسیری ذیل آیه را به دلیل نقد سندی و مخالفت مضمون آنها با سیاق و قرائت مشهور به صورت غیرمستقیم نپذیرفته است (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۱۳۹-۱۴۶).

بررسی

ظاهراً مفسر قرائت این واژه به صورت «الیاسین» را صحیح می‌داند؛ چرا که در همه موارد آن را بدین شکل آورده است. همچنین در این تفسیر مسیر تفسیر مستدل آیه هماهنگ با آیات قبل به خوبی طی شده است، اما در پایان بحث، نظر خود را در مورد دلالت و صحت روایات نظر خود را به صراحت بیان نکرده استف در حالی که هر مفسری با مبانی و اصول فکری‌ای که دارد، باید بتواند در نهایت بحث را جمع بندی کرده و حتی اگر روایتی نادرست به نظر می‌آید، حکم به رد آن بدهد.

با مراجعه ابتدایی به سیاق آیات مورد بحث روشن می‌شود که این آیات سخن از تعدادی از پیامبران یعنی نوح و ابراهیم و موسی و هارون علیهم السلام دارد و به مشقات رسالت آنها اشاره کرده و بر آنها سلام می‌فرستد. از این قرائن فهمیده می‌شود که ظهور مجموعه آیاتی که به بحث در مورد حضرت الیاس می‌پردازند نیز در مورد حضرت الیاس است و این مسئله نکته‌ای نیست که نیاز به جستجو و ادله فراوانی داشته باشد.

۲. دیدگاه مفسران اهل سنت

بزرگان مفسران اهل سنت در تفاسیر خود مشروحاً و با استناد به مبانی علمی مانند واژه‌شناسی، سیاق و قرائت مشهور به گونه‌ای منطقی و بدون جانب داری به این بحث

پرداخته‌اند. ایشان تقریباً مراد آیه را حضرت الیاس می‌دانند. در ذیل به اهمّ این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.

الف) طبری

طبری از اقدم مفسران و محدثان اهل سنت، دیدگاهی جامع و مستدل در تعیین مصداق و شیوه صحیح قرائت این آیه دارد. وی با استناد به قواعد ادبیات عرب، نقل‌های مربوط به قرائت آیه و قرائتی مانند سیاق، به تفسیر آیه پرداخته است. وی قرائت عموم قرأء مکه، بصره و کوفه را «ال یاسین» می‌داند و معتقد است الیاس پیامبر ﷺ به دو اسم «الیاس» و «ال یاسین» مانند «ابراهیم» و «ابراهام» نامیده می‌شده است. وی سپس با استناد به سیاق و محتوای مجموعه آیات که «آل» هیچ کدام از پیامبران در آنها ذکر نشده، مراد از واژه «ال یاسین» را خود حضرت الیاس و قرائت صحیح آیه را «سلام علی ال یاسین» می‌داند. بنابر گزارش طبری قرائت ابن مسعود «سلام علی إدرا سین» بوده و این خود دلیلی واضح بر خطا بودن تبیین مراد آیه به «سلام علی آل محمد» و قرائت آیه به صورت «سلام علی آل یاسین» است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲ق: ۲۳/ ۶۱ و ۶۲).

ب) ثعلبی

وی ابتدا به اختلاف قرائت موجود در این آیه پرداخته و قرائت آیه را به گونه‌ای که مراد از آن حضرت الیاس باشد، هماهنگ‌تر با سیاق دانسته است و در پایان قولی را از فراء نقل کرده که واژه «ال یاسین» را جمع و به معنای الیاس و پیروان او می‌داند (ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ۱۴۲۲ق: ۸/ ۱۶۹).

ج) زمخشری

زمخشری که به عنوان مفسری ادیب شناخته شده، با توجه به انتظاری که از وی می‌رود، به صورت کامل و شامل به تفسیر آیه نپرداخته است. او نیز با ذکر اشکال متفاوت واژه «الیاس» و «ال یاسین» مراد از واژه را خود حضرت الیاس دانسته است. وی معتقد است دلیل کسانی که آیه را به صورت ال یاسین خوانده‌اند، این است که یاسین نام پدر الیاس بوده و «آل» به آن اضافه شده است (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷ق: ۴/ ۶۰).

(د) قرطبی

قرطبی الیاس را یکی از پیامبران بنی اسرائیل و نام دیگر وی را به نقل از ابن مسعود ادريس می‌داند. وی سپس به نقل قرائت‌های مختلف واژه ال یاسین پرداخته و از قول ابن جنی که کلمات یاسین، الیاس و الیاسین را یکی دانسته، این تفاوت‌ها را عادی و به دلیل غیر عربی بودن واژه دانسته که در هنگام ورود به زبان عربی به صورت‌های گوناگون نقل شده است (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۶/۱۱۵).

وی همچنین اقوال بسیاری را در صحت شیوه قرائت ال یاسین می‌آورد و به عبارت‌های قرآنی «طور سیناء» (مومنون / ۲۰) و «طور سینین» (التین / ۲) استدلال نموده که الیاس و ال یاسین نیز دو وجه یک کلمه‌اند. قرطبی سپس با نقل روایت مشهور ابن عباس که آل یاسین را آل محمد ﷺ معرفی کرده است، بر این قول و دلایل صحت آن اشکال می‌گیرد. ابتدا مخالفت با سیاق کلام است که نمی‌شود آیه را با استناد به یک قول ضعیف از سیاق و مقصود اصلی خود خارج کرد. ثانیاً از دیدگاه وی یس از حروف مقطعه بوده و نحوه دلالت و اقوال متفاوت در این خصوص نشان می‌دهد که حتی در برخی موارد به عنوان اسم پیامبر معرفی نشده است (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۶/۱۲۰ و ۱۲۱).

(هـ) فخر رازی

وی معتقد است در مورد واژه الیاس در آیات مذکور دو قول وجود دارد. ابن مسعود آن را ادريس قرائت کرده و معتقد است الیاس همان ادريس است. عکرمه هم دیدگاه ابن مسعود را دارد، اما اکثر مفسران متفقند که الیاس یکی از پیامبران بنی اسرائیل از نسل هارون برادر حضرت موسی است.

فخر رازی در ادامه اقوالی را در بیان مراد آیه آورده است:

۱. مراد از الیاس، الیاس بن یاسین بوده و الیاس به معنی آل یاسین است.

۲. مراد از آل یاسین، آل محمد ﷺ است.

۳. یاسین اسم قرآن است و این آیه مرادش سلام و درود بر هر کسی است که به کتاب خدا ایمان آورده است.

وی در نهایت، قول نخست را به این دلیل که آن را به سیاق کلام نزدیک‌تر می‌داند، پذیرفته است (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۲۰ق: ۲۶/۳۵۵). برخی دیگر از مفسران اهل سنت نیز به عنوان یک قول ضعیف آل یاسین را آل محمد ﷺ دانسته‌اند (بغدادی(خازن)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ۱۴۱۵ق: ۴/۲۷).

(و) آلوسی

آلوسی هم در تفسیر این آیه دیدگاهی جامع دارد. وی تأکیدی ویژه در بهره‌گیری از قاعده سیاق در تبیین مراد جدی این آیه دارد. وی «ال یاسین» را شکل دیگری از واژه الیاس و شباهت آن دو را مانند دو واژه «سیناء» و «سینین» می‌داند که در این آیات به دلیل نظم آهنگ پایان آیات به صورت «ال یاسین» به کار رفته است. وی می‌افزاید: همچنین گفته شده است که الیاسین به این صورت و در شکل جمع به کار رفته است تا بر الیاس و پیروانش دلالت داشته باشد؛ مانند واژه «مهلین» که بر مهلب و قوم او دلالت دارد. آلوسی این دیدگاه را که مراد از «ال یاسین»، «آل یاسین» به معنای پیروان الیاس باشد، نپذیرفته است؛ چرا که معتقد است سیاق مجموعه آیات مربوط بیانگر عدم ذکر آل هیچ کدام از پیامبران است.

وی چند دیدگاه دیگر را مانند اینکه یاسین اسم پیامبر ﷺ است و آل یاسین آل پیامبر ﷺ می‌باشند. یا اینکه یاسین اسم قرآن است و آل یاسین امت محمدی یا خواص آنها هستند، به دلیل مخالفت با سیاق و سباق آیات مورد بحث، رد می‌کند (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵ق: ۱۲/ ۱۳۵).

برخی دیگر از مفسران معاصر اهل سنت نیز واژه «ال یاسین» و قرائت‌های متفاوت آن را نوعی تصرف در شکل علم واژه ایلیا در اسامی علم غیر عربی دانسته‌اند (قاسمی، محاسن التأویل، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۲۲۶).

ظاهراً عمده دلیل مفسران اهل سنت در اینکه مراد از این آیه حضرت الیاس است، سیاق آیات، قرائت مشهور و قرائن لغوی در تعیین ریشه و شکل ساختاری این واژه است. آنان روایاتی را که واژه را به صورت آل یاسین که مراد از آن آل محمد باشد، یا نقل نکرده یا اگر هم نقل کرده‌اند به صورت یک قول ضعیف دانسته و آن را نپذیرفته‌اند؛ چرا که برای مفسران اهل سنت بر خلاف برخی مفسران و محدثان شیعه، این نکته قابل هضم و پذیرش نیست که این آیه مانند آیه تطهیر در میان این آیات جا داده شده باشد تا از دستبرد منحرفان مخالف فضائل اهل بیت ﷺ در سلامت بماند.

زیارت آل یاسین

لازم به ذکر است علاوه بر روایاتی که از نظر گذشت، یکی از زیاراتی که مجلسی در بحار الانوار (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق: ۸۱/۹۹) می‌آورد به «زیارت آل یاسین» مشهور شده است. وی این زیارت را از احتجاج طبرسی نقل می‌کند. با جست‌وجویی که صورت گرفت، در منابع روایی پیش از احتجاج این زیارت وجود ندارد (طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ۱۴۰۳ق: ۲/۴۹۵-۴۹۲). ابن مشهدی هم متن زیارتی را شبیه همان که طبرسی در احتجاج آورده، در «المزار الکبیر» خود به نقل از حمیری ارائه کرده است (ابن مشهدی، المزار الکبیر، ۱۴۱۹: ۵۶۷-۵۷۳)، اما آنچه اکنون مشهور است زیارت منقول از احتجاج طبرسی است.

البته نویسندگان مقاله قصد ورود به تحقیق و بررسی در مورد صحت سند زیارت آل یاسین را ندارند، اما آنچه مشهود است این است که متن این زیارت که با عبارت «سلام علی آل یاسین» شروع می‌شود، نمی‌تواند به عنوان دلیل و مستندی برای صحت قرائت آیه ۱۳۰ صافات به صورت «سلام علی آل یاسین» به معنای سلام بر اهل بیت پیامبر ﷺ باشد. به تصریح منابع روایی فریقین یاسین یکی از اسامی مبارک پیامبر اکرم ﷺ در قرآن کریم است (قمی، تفسیر القمی، بی‌تا: ۲/۲۱۱؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق: ۶/۲۰؛ خصیبی، الهدایه الکبری، ۱۴۱۹ق: ۳۸؛ نعمانی، الغیبه، ۱۴۲۴: ۷۵؛ ثعالبی، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ق: ۵/۵؛ سیوطی، در المنثور فی تفسیر الماثور، ۱۴۰۴ق: ۵/۲۵۸) و آل یاسین، اهل بیت پیامبر ﷺ اند که در آن جای هیچ خدشه‌ای نیست. اما ضرورتی ندارد که برای اثبات صحت قرائت آیه به صورت «آل یاسین» میان این آیه و زیارت آل یاسین ارتباط وثیقی بر قرار نموده و با پذیرش مبانی غیر علمی، متحمل تکلف شده و آل یاسین بودن اهل بیت ﷺ را از آیه ۱۳۰ سوره صافات اثبات نمود؛ همان‌گونه که برخی محققان این مسیر را به نادرستی طی کرده‌اند (شاهدی و کوهساری، انتظار موعود، ۱۳۹۰: ۳۴/۳۳-۵۴).

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی مباحثی که از نظر گذشت، به خوبی نمایانگر صعوبت تبیین مفهومی و مصداقی آیه ۱۳۰ سوره صافات است؛ چرا که نتیجه‌گیری قطعی برای محقق شیعی در تقابل میان قرائت مشهور از یک طرف و روایات تفسیری ذیل آیه که ظاهری مستند دارند، از طرف دیگر است. بهره‌گیری از سیاق و قرائت مشهور، دو قاعده اساسی از قواعد تفسیر می‌باشند. بررسی‌ها و مستنداتی که از نظر گذشت، نشان می‌دهد دیدگاهی که با استناد به قرائت مشهور و مبانی واژه‌شناسی، قرائت صحیح آیه را «ال یاسین» و این واژه را یکی دیگر از وجوه واژه الیاس و مراد آن را خود حضرت الیاس می‌داند، صحیح به نظر می‌رسد. روایات تفسیری ذیل آیه نیز با فرض صحت قرائت آیه به صورت «آل یاسین»، علاوه بر اینکه اکثر آنها در حد یک دیدگاه تفسیری از برخی صحابه بوده و دلالت قوی بر ادعای برخی مفسران ندارند، به دلیل وجود اشکالات متعدد سندی و محتوایی، عدم صدور اکثر آنها از معصومین (علیهم‌السلام) و مخالفت با قرائت مشهور، قابل استناد نیستند. مفهوم رایج «آل یاسین» به معنی اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) که می‌تواند یکی از فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) به شمار آید، از عبارت قرآنی «سلام علی ال یاسین» قابل استخراج نیست. در نهایت یادآور می‌گردد نباید با استناد به هر گونه روایت ضعیف و قرائت غیر مشهور خود را به تکلف انداخت تا فضیلتی را برای اهل بیت (علیهم‌السلام) ثابت نمود؛ چرا که این چنین تلاشی می‌تواند نتیجه عکس داده و سایر فضائل حقیقی اهل بیت (علیهم‌السلام) در قرآن کریم را نیز تحت الشعاع قرار دهد و شیعه را به تفسیر قرآن بدون مبانی علمی و چنگ زدن به هر گونه تلاش بی‌حاصل برای اثبات فضائل اهل بیت متهم نماید.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه، موسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، تهران: ناشر کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۵. ابن جزری، محمد بن محمد، تحبیر التیسیر فی القرائات، اردن: دار الفرقان، ۱۴۲۱ ق.
۶. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، تهران: بی نا.
۷. ابن خالویه، الحجة فی القرائات السبع، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
۸. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قسم الدراسات الاسلامیه، قم: موسسه البعثة - تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. ثعالبی عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق شیخ محمد علی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تصحیح محمد باقر محمودی، تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

۱۵. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، تحişه فرج الله حسينی، بيروت: دارالكتاب اللبنانى، ۱۹۸۲م.
۱۶. خازن، علاء الدين على بن محمد بغدادى، لباب التأويل فى معانى التنزيل، تصحيح محمد على شاهين، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۱۷. خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، بيروت، البلاغ، ۱۴۱۹ق.
۱۸. خطيب، عبداللطيف، معجم القراءات، بى جا، دار سعد الدين، بى تا.
۱۹. خوئى، ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، قم: مركز نشر الثقافة الاسلاميه، ۱۳۷۲ش.
۲۰. دمياطى، احمد بن محمد بن عبد الغنى، اتحاف فضلاء البشر فى القراءات الأربعة عشر، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ق.
۲۱. زمخشرى محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۲۲. سيوطى، جلال الدين، الاتقان فى علوم القرآن، بيروت: دارالكتاب عربى، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۲۳. سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور فى تفسير المأثور، قم: كتابخانه آية الله مرعى نجفى، ۱۴۰۴ق.
۲۴. شاهدى، روح الله و كوهسارى، سيد اسحاق، مجله انتظار موعود، بهار ۱۳۹۰، سال يازدهم، شماره ۳۴.
۲۵. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، تصحيح محمد باقر خرسان، مشهد: نشر مرتضى، ۱۴۰۳ق.
۲۷. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ق.
۲۸. طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.

۲۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۳۰. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ش.
۳۳. طبیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلام، ۱۳۶۶ش.
۳۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۳۵. عسگری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران: مجمع العلمی الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۳۶. فارسی، ابو علی حسن بن عبد الغفار، الحجة للقراء السبعة، دمشق - بیروت: دارالمأمون للتراث، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳۷. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۳۸. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۹. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۴۰. قرطبی، محمد بن احمد، تفسر قرطبی الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تصحیح محمد کاظم، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۴۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۴۵. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام تصحیح آصف فیضی، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
۴۶. مغنیه محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۲۴ ق.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
۴۸. هلالی، سلیم بن قیس، مصحح محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق.